

Iran's Naval Strategy in Southwest Asia and the North Indian Ocean


Mansour Lashani

Ph.D. Candidate in International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Rahmat Hajimineh

Associate Professor of International Relations, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: hajimineh@gmail.com

 0000-0002-1225-9541

Hossein Daheshiar

Professor of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Alireza Alipoor

Associate Professor of Education Management, Imam Khomeini Naval Academy, Nowshahr, Iran.

Abstract

Southwest Asia and the North Indian Ocean are important and strategic regions of the world, which are of great importance in terms of geopolitics and geoeconomics. What is remarkable is the Islamic Republic of Iran, which is a country that has a good position in the region in terms of the sea. Therefore, this situation has caused Iran to not be indifferent to the regions of Southwest Asia and the North Indian Ocean and monitor the developments in the mentioned regions. The question raised in this research is, what is Iran's naval strategy to increase sea power in Southwest Asia and the North Indian Ocean? In response to this question, the author emphasizes the qualitative research method and the descriptive-analytical method, expressing that according to the general policies of sea-oriented development, Iran's maritime strategy is not hegemonic but a peaceful and cooperative strategy. To implement this strategy, Iran has two opportunities: transportation and energy, which will expand its maritime credibility and become the foundation of Iran's maritime power. However, the Islamic Republic of Iran is facing obstacles from its competitors in the region to use these two mentioned opportunities. Despite this, one of the main goals of Iran's competitors is to isolate the country. They are looking for the Islamic Republic not to use the two mentioned opportunities so that the country will be in economic trouble and lack global acceptance and cause the reduction of Iran's presence in the sea. It also provides the arena for other regional and extra-regional forces. Therefore, the solution for Iran's strong presence in both transportation and energy sectors is to activate Chabahar port and pay attention to regional and extra-regional energy needs. Qualitative methods, library, and internet sources have been used to investigate my research.

Keywords: Sea power theory, Iran Sea Strategy, Southwest Asia, North Indian Ocean.



راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند

منصور لشنی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رحمت حاجی‌مینه

دانشیار روابط بین‌الملل، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: hajimineh@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-1225-9541

حسین دهشیار

استاد روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علیرضا عالی‌پور

دانشیار مدیریت آموزشی، دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، نوشهر، ایران.

چکیده

جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند از مناطق مهم و استراتژیک جهان هستند که به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اهمیت بالایی دارند. آنچه قابل توجه است جمهوری اسلامی ایران به لحاظ دریایی از موقعیت مناسبی در این مناطق برخوردار است. از همین رو این موقعیت موجب شده ایران نسبت به مناطق جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند بی‌تفاوت نباشد و تحولات مناطق مذکور را رصد کند. سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند چیست؟ در پاسخ به این سؤال نویسنده با تأکید بر روش تحقیق کیفی و روش توصیفی-تحلیلی بیان می‌دارد که با توجه به سیاست‌های کلی توسعه دریا محور، راهبرد دریایی ایران سلطه‌گرایانه نیست، بلکه راهبرد صلح‌گرایانه و همکاری‌جویانه می‌باشد. برای اجرایی‌سازی این راهبرد، ایران از دو فرصت حمل و نقل و انرژی برخوردار است که از این طریق اعتبار دریایی گسترش پیدا کرده و زمینه‌ساز قدرت دریایی برای کشور خواهد شد. با وجود این، از اصلی‌ترین اهداف رقبای ایران، در انزوا قرار دادن کشور است. آنان به دنبال این هستند تا جمهوری اسلامی از دو فرصت مذکور استفاده نکند تا کشور در تنگنای اقتصادی و عدم مقبولیت جهانی قرار بگیرد و در نهایت این امر موجب کاهش حضور ایران در دریا شود و عرصه را برای سایر نیروهای منطقه‌ای و فرمانده‌های فراهم کند. بنابر این، راهکار حضور قدرتمند ایران در دو بخش حمل و نقل و انرژی از طریق فعال کردن بندر چابهار و توجه به نیازهای انرژی منطقه و فرمانده‌های است.

کلیدواژه‌ها: نظریه قدرت دریایی، راهبرد دریایی ایران، جنوب غرب آسیا، شمال اقیانوس هند



مقدمه و بیان مسئله

بدون شک، دریاها، سواحل، اسکله‌ها، بنادر، تنگه‌ها، اقیانوس‌ها و خلیج‌ها و با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های محیطی خود می‌توانند بستر مناسبی برای توسعه زیرساخت‌های رشد اقتصادی کشورها باشند. بنابر این، توجه به رشد علم، تکنولوژی و فناوری، افزایش کار، تولید و ثروت، برطرف کردن نیازهای حیاتی گوناگون بشر و داشتن قدرت و اقتدار در عرصه بین‌المللی نیازمند بهره‌برداری درست و اصولی از دریاهاست. در طول تاریخ جوامع زیادی در کنار دریا شکل گرفته‌اند؛ اما زمانی که رویکرد تاریخی بشر از خشکی‌نگری به دریا به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده تغییر کرد، باعث ایجاد انقلاب دریانوردی و دگرگونی ژرف گردید. به‌گونه‌ای که از مدیریتانه جنوبی و شبه‌جزیره ایبری و سپس شمال غرب اروپا، دریانگیزی جایگزین خشکی‌نگری شد. نتیجه انقلاب دریانوردی (گذشته از ریشه‌هایش) که بشر را وارد عصر و ساحت نوینی کرد، دگرگونی آرام اما استوار و پایدار در همه چشم‌اندازهای بشر ساخت؛ از جمله دستاوردهای دریانگیزی، تبدیل اقتصاد شهری به اقتصاد ملی و سپس اقتصاد جهانی و در نهایت رفاه نوع بشر در چشم‌انداز جهانی بوده است. به عبارتی دریا به‌عنوان مؤلفه مهم در زندگی جوامع دریایی و کشورها مورد استفاده قرار گرفت (عالی‌پور، ۱۴۰۲). بررسی‌ها حکایت از آن دارد، ایران یکی از کشورهای است که به لحاظ دریایی قدمت تاریخی طولانی داشته است. تاریخ تمدن دریایی ایران قدمتی ۳۰۰۰ ساله داشته و ایرانیان نخستین مردمانی بوده‌اند که در جهت تأمین نیازهای اقتصادی و امنیتی خود از دریا بهره برده‌اند. فعالیت نیروی دریایی ایران در طول دوره‌های مختلف تاریخ با فراز و فرودهایی همراه بوده است. پس از انقلاب اسلامی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و در کنار آن نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وظیفه خطیر حفظ امنیت مرزهای آبی را بر عهده داشته‌اند. این در حالی بود که پس از انقلاب، کشور تحت شدیدترین تحریم‌ها و فشارهای حداکثری از سوی دولت‌های غربی به سرکردگی آمریکا قرار داشته است. در این راستا، کشور نیازهای اساسی و ضروری خویش را نمی‌توانست از سایر کشورها تأمین کند، چه برسد به اینکه تجهیزات و تسلیحات پیشرفته نظامی بخرد و یا وارد کند و از همه‌جا تحت شدیدترین موانع و کارشکنی‌ها بود. در چنین شرایطی بحث بومی‌سازی تجهیزات نظامی مطرح شد. به این ترتیب، متخصصان ایرانی موفق شده‌اند بدون پشتیبانی و کمک گرفتن از دولت‌های خارجی به تجهیزات پیشرفته

نظامی دست یابند. شواهد موجود نیز حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران تمام تسلیحات و تجهیزات نظامی و دریایی را در داخل کشور تولید می‌کند. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی و دریایی و واقع شدن بین دو دریا و داشتن هزاران کیلومتر سواحل در شرایط مناسبی در منطقه قرار گرفته و این موقعیت موجب شده ایران نسبت به مناطق استراتژیک جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند بی‌تفاوت نباشد و برای امنیت‌زایی و ثبات مناطق مذکور اقداماتی انجام داده است. جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند به دلیل خطوط مواصلاتی حمل و نقل کالا و انرژی از اهمیت فزاینده‌ای برای همه کشورهای پیرامونی و هم‌جوار و حتی برای کشورهای فرامنطقه‌ای برخوردار می‌باشند. با توجه به اهمیت فراوان این مناطق، نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش حداکثری را در خلال دهه‌های گذشته ایفا کرده است. در این رابطه، هدف نوشتار بررسی راهبرد دریایی جمهوری اسلامی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند است. بر مبنای همین هدف پژوهش، این سؤال مطرح است که راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند چیست؟ روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد و با مراجعه به منابع اطلاعات لازم گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع کیفی و استنباطی می‌باشد. ابتدا قدرت دریایی و جایگاه ایران در بحث دریا مورد بررسی قرار گرفت. سپس، بر اساس مبانی نظریات حوزه دریا و جایگاه استراتژیک منطقه غرب آسیا، راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند تبیین گردید.

۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با راهبرد دریایی ایران مطالعات بسیاری انجام شده که به آن پرداخته می‌شود:

امیری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی ایران پرداخته و معتقد است نیروی دریایی می‌تواند با بهره‌مندی از دو اصل مدیریت نظامی تاکتیکی و استراتژیک قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

منفرد و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به نقش‌ها و کارکردهای نیروی دریایی ارتش بر گسترش قدرت بازدارندگی در عرصه دریا تأکید کرده‌اند.

کریمی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای بین استراتژی دریایی و قدرت ملی ارتباط برقرار کرده‌اند. از منظر آنان مؤلفه‌های تأثیرگذار در تدوین استراتژی دریایی شامل مواردی همچون اقتصاد دریایی، نیروی دریایی، جغرافیا، فرهنگ دریایی و قوانین و مقررات و همچنین دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی می‌شوند که نیازمند به مدیریت و هماهنگی دارند.

اعظمی و فرشته‌منش (۱۳۹۱) در پژوهشی به جایگاه نیروی دریایی راهبردی و توسعه سواحل مکران تأکید کرده‌اند و باور دارند قدرت دریایی ارکان متعددی دارد؛ اما مهم‌ترین رکن آن نظامی است.

آنچه پژوهش حاضر را با مطالعات انجام شده فوق متفاوت می‌سازد این است که در این پژوهش ابتدا وضعیت قدرت دریایی ایران طبق مبانی نظریات حوزه دریا بررسی شده و سپس راهبرد دریایی کشور در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است و این نکته بیان می‌شود که راهبرد دریایی ایران طبق ابلاغیه سیاست‌های کلی توسعه دریا محور صلح‌گرایانه و همکاری‌جویانه می‌باشد و در جهت اجرایی‌سازی این راهبرد ایران می‌تواند از فرصت‌های مهم خود در جهت قدرت دریا بهره‌بردارد.

۲. چهارچوب مفهومی و نظری

۲-۱. تعریف قدرت دریا

در ادبیات استراتژیک، دو تعریف کلی از مفهوم قدرت دریا رایج شده است: «تعریف محدود که به قدرت نظامی اطلاق می‌شود که در دریا و یا از طریق دریا اعمال می‌شود و تعریف گسترده که به معنی توانایی یک ملت، اعم از نظامی و غیرنظامی، برای استفاده از دریا برای اهداف اقتصادی و سیاسی، که نمی‌تواند قابل تفکیک از نیروی دریایی نظامی باشد، است. ناوگان ماهی‌گیری یک کشور، سکوهای نفت و گاز دریایی آن، صنعت کشتی‌سازی و مهم‌تر از همه، ناوگان کشتی‌رانی تجاری، در این تعریف مورد تأکید است» (Grove, 2010, p. 207).

۲-۲. نظریه قدرت دریا

نظریه قدرت دریا از زمان پی‌ریزی شدن آن در ۱۸۹۰ تحت تأثیر نگاه واقع‌گرایانه به چگونگی کارکرد سیستم بین‌المللی قرار داشته است. نگاه سلسله‌مراتبی و

رقابتی آلفرد ماهان به روابط بین‌الملل سبب شده تا او اصطلاح فرماندهی بر دریاها در قلب نظریه قدرت دریا مطرح کند. ماهان تنها پیام‌آور قدرت دریا نبود. در واقع، از آغاز قرن نوزدهم، چندین نویسنده به‌طور کاملاً مستقل از یکدیگر متون مربوط به قدرت دریا را تنظیم کرده بودند. در ایتالیا، جولیو روکو تأملات خود را در مورد قدرت دریا در اوایل سال ۱۸۱۴ نوشت و چندین نویسنده دیگر نیروی دریایی که به وفور توسط خود ماهان نقل شده است، نویسندگانی مانند جوزف توماسی و دریاسالار فیلیپ کلمب که ایده‌هایی شبیه به ایده‌های ماهان ارائه کردند (Nohara, 2017, p. 216).

ماهان نیز همانند هم‌تایان واقع‌گرای خود امنیت را در نبود تهدیدات نظامی برای بقای دولت‌ها تعریف می‌کند. از آن جهت که در نظام بین‌المللی آنارشیک نمی‌توان به هیچ دولتی در جهت تأمین امنیت خود اعتماد داشت، لذا، اصل خودیاری به‌عنوان اصلی که می‌تواند نقشه راه چگونگی تأمین امنیت دولت‌ها باشد، مورد تأکید قرار می‌گیرد. این اصل به‌ویژه در امور نظامی مورد تأکید قرار گرفته و حاصل آن، این است که کشورها را از وابستگی به دیگران در امور نظامی و امنیتی بر حذر می‌دارد. اگر از این نظر به مفهوم تئوریک قدرت دریا بنگریم می‌توانیم اهمیت قدرت نظامی را در بعد عملیاتی‌سازی قدرت دریا را درک کنیم. مطالعات امنیتی از این نظر محدود به امور نظامی خواهد بود (Baldwin, 2018, pp. 9-12). از نگاه دریاسالار ماهان و بسیاری از اندیشمندان سنت‌گرایای روابط بین‌الملل، توانمندی کنترل دریا و مسیرهای ارتباطی در آن می‌تواند برای یک ملت رفاه را به ارمغان بیاورد. به اعتقاد او کسی که بر امواج حکومت کند می‌تواند بر جهان نیز حکومت کند (Mahan, 1890). برداشت سنتی از مفهوم قدرت دریا، با تأکید بر عملیاتی‌سازی این مفهوم به‌عنوان معیاری برای سلسله‌مراتب و ابزاری برای رقابت دولتی بر این دیدگاه استوار است که رقابت بر ایده‌های مبتنی بر همکاری‌های بین‌المللی ارجحیت دارد (Pugh, 1996). نقش دولت این بود که پتانسیل دریایی و تجاری کشور را در زمان صلح تقویت کند و با بهره‌برداری ماهرانه از قدرت دریا در زمان جنگ، پیروزی را به دست آورد که موقعیت کشور را در جهان پس از پایان مناقشه افزایش دهد. ماهان احساس می‌کرد که در مطالعات تاریخی از ابعاد قدرت دریا غفلت شده و تلاش وی در جهت اصلاح جهل غالب در رابطه با نوع نگاه به قدرت دریا در طول تاریخ آن بوده است. خوانش ماهان از تاریخ به او آموخت که کشور نباید از خود در برابر همسایگان در خشکی دفاع کند و یا نباید قلمرو خود را در خشکی‌های به هم

پیوسته گسترش دهد، نسبت به کشوری که دائماً باید در برابر همسایگان زمینی آماده باشد، در موقعیت مطلوب‌تری برای تمرکز بر رشد نیروی دریایی خود قرار خواهد داشت (Kennedy, 1988, pp. 3-10). عناصر کلیدی قدرت دریایی شدن از نظر ماهان عبارتند از:

- ❖ موقعیت جغرافیایی مناسب: به معنای، موقعیت دریایی مناسب و کنترل استراتژیک تنگه‌ها و آبراه‌های مهم و پایگاه‌هایی است که دشمن ممکن است از آن‌ها برای تهدید و یا محاصره استفاده کند؛
 - ❖ وضعیت طبیعی: مقصود از وضع طبیعی، وضعیت سواحل و مشخصه‌های فیزیکی آن است. سواحل مناسب شرط اساسی در تأسیس بندر، لنگرگاه‌ها و تأسیسات مرتبط با دفاع ساحلی است؛
 - ❖ وسعت قلمرو ساحل: در اندیشه ماهان نسبت به شاخص وسعت قلمرو ساحلی آنچه اهمیت دارد این است که اصولاً چه اقداماتی در رابطه با دفاع از خطوط ساحلی صورت گرفته است؛
 - ❖ جمعیت: میزان جمعیت در جهت ایجاد نیروی دریایی و تأمین منابع انسانی برای آن بسیار مهم و حیاتی است؛
 - ❖ خصوصیات ملی: خصوصیات ملی به معنی میل و علاقه مردمان یک سرزمین به دریانوردی و تجارت با ملل گوناگون است؛
 - ❖ وضع سیاسی دولت: وضع سیاسی دولت عامل مهم در قدرت دریاست که به معنی کیفیت تصمیم‌گیری در رابطه با بهره‌برداری از منابع چه منابع انسانی و چه منابع طبیعی و شیوه‌های اجرایی کارآمد است که این پتانسیل‌ها را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل می‌نماید (Giok, 2015, p. 3).
- مقصود ماهان از قدرت دریایی، تنها داشتن نیروی دریایی نظامی قدرتمند نبود، بلکه برای او قدرت دریا یک اصطلاح اقتصادی نیز بود، که چگونگی تسلط یک ملت در دریا را در سه مرحله تولید کالا، ساخت نیروی دریایی برای حفاظت و حمل و نقل این کالاها و ایجاد مستعمرات که مواد خام لازم برای تولید کالاهای بیشتر را فراهم و هم‌زمان بازارهای دیگری را برای تجارت ایجاد می‌کرد، توضیح می‌داد (Varacalli, 2016, p. 3).

به‌صورت کلی ماهان در افکار خود قدرت را به دو بخش نظامی و اقتصادی تقسیم می‌نماید. تجویز او برای دولت‌ها این است، که این بازیگران می‌بایست برای افزایش قدرت بر هر دو بُعد آن یعنی، قدرت نظامی و اقتصادی متمرکز شوند.

مطرح شدن نظریه قدرت توسط ماهان به هنگام برتری دریایی انگلیس و تفوق این کشور بر دولت‌های مختلف در قرن ۱۹ بوده است (۱۸۹۰). لذا، شالوده این نظریه با اندیشه دولت قدرتمند که توانایی دفاع از منافع ملی خود را دارد ترکیب شده است. از این جهت تئوری ماهان همچون تئوری واقع‌گرایی کلاسیک به برداشت‌های سخت و خشن از روابط بین‌الملل روی آورده، و بر داشتن برتری نیروی دریایی قدرتمند که مشخصه اصلی آن کشتی‌های جنگی، تسلیحات، تاکتیک، فرماندهان برتر و آزادی تجارت دریایی برای تبادل کالا و اطلاعات است، تأکید داشته است (Giok, 2015, p. 11). با نگاهی کل‌گرایانه به قدرت دریا و یا قدرت دریایی در اندیشه ماهان می‌توان ابراز داشت؛ قدرت دریا، به قدرتی اطلاق می‌شود که یک دولت از طریق ظرفیت دریا برای اهداف نظامی و غیرنظامی خود اعمال می‌کند (Mahan, 1890).

سر جولیان کوربت از دیگر تئوری‌پردازان اثرگذار در حوزه قدرت دریا نکته بسیار مهمی را در رابطه با چگونگی اثرگذاری قدرت دریا بر وقایع بیان می‌دارد، از منظر کوربت مقصود واقعی قدرت دریا آنچه در دریا رخ می‌دهد نیست، بلکه او قدرت دریا را چگونگی تأثیرگذاری آن بر رویدادها در خشکی می‌داندست (Corbett, 1911). از دیدگاه کوربت دو مورد از ضعف‌ها و یا چالش‌های پایداری که می‌بایست در رابطه با قدرت دریایی مورد توجه قرار بگیرند و مشخصه بارز تمام قدرت‌های دریایی در تاریخ بوده و هست. این است که اول، قدرت دریایی باید توانمندی آن را دارا باشد برتری خود بر دریاها را به ثمرات سیاسی در خشکی تبدیل کند و این عمل به خودی خود اتفاق نخواهد افتاد و مستلزم وجود شرایط خاصی خواهد بود که خارج از صلاحیت نیروی دریایی می‌باشد. دوم، قدرت و یا قدرت‌های دریایی به دلیل تزلزل در اتحادها و عدم پایداری پایگاه‌ها از شکاف اعتباری رنج می‌برند که از قدرت ماندگاری آن‌ها را در سرزمین‌ها می‌کاهد. نکته‌ای که می‌توان از این گزاره‌ها دریافت این است که ضعف‌های مطرح شده ناشی از وجود یک مشکل ساختاری است و آن این است که «سیاست‌ها در خشکی، جایی که مردم زندگی می‌کنند، ساخته و پرداخته می‌شوند و فرماندهی بر دریاها، نتایج مطلوب سیاسی را در خشکی تضمین نخواهد کرد» (Grygiel, 2021, p. 4).

از نظر کوربت وظیفه اصلی نیروی دریایی این نبوده که همیشه در جست‌وجوی ناوگان و کشتی‌های نظامی دشمنان بر سطح دریا باشد. بلکه او در مقابل استدلال می‌کند که وسعت دریا به نیروی دریایی این امکان را خواهد داد که منافع ملی را

پیش برند، حتی اگر نتوانند یا تصمیم بگیرند ناوگان دشمن را در نبرد با شکست مواجه سازند (Corbett, 1911).

اصرار سر ویلیام بر این بوده است که نمی‌توان فرماندهی دریا را یک مفهوم دوگانه مانند سیاه و سفید یا برنده همه چیز را خواهد برد، دانست. او بر تفاوت بین خشکی و دریا را به‌عنوان فضاهای استراتژیک تأکید کرد و گفت: هدف جنگ دریایی کنترل ارتباطات دریایی است، نه مانند جنگ‌های زمینی تسخیر سرزمین و فتح خشکی‌ها. او معتقد بود عملیات دریایی که توسط کشورها انجام می‌شود، دست کم برای به دست آوردن یکی از این دو هدف است: مناقشه فرماندهی دریا؛ و اعمال کنترل ارتباطاتی است که در گذشته داشته، خواهد بود (Hande, 2000). وی ضمن اذعان به اینکه آرمان نیروی دریایی از شکست حتمی ناوگان دشمن خواهد بود. متذکر می‌شود: ممکن است این آرمان به واقعیت تبدیل نشود. برخی از معروف‌ترین اصول استراتژی دریایی اثر کوربت است که در آن اصول استراتژی را به ترتیب ذیل نام می‌برد؛

۱. فرماندهی بر دریا؛
۲. محاصره دریایی؛
۳. پشتیبانی از عملیات روانی؛
۴. پدافند (Corbett, 1911).

دیدگاه کوربت در رابطه با مناقشات دریایی منجر به شکل‌گیری بنیان‌های استراتژی جنگ محدود دریایی شد. «کوربت به اهمیت دفاع و پراکندگی نیروها در جنگ دریایی پی برده و بر اهمیت ایجاد فشار به دور از هیاهو با استفاده از حضور نیروی دریایی و پراکندگی موقت در دریا و پرهیز از تنش با نیروهای دشمن تأکید داشته است. نکته مهم دیگر از دیدگاه او، اهمیت عنصر اقتصاد و نقش مهمی که این عنصر در سرنوشت قدرت‌های دریایی داشته بوده است. در این رابطه، کوربت بیان می‌دارد: هر چیزی که بتوانیم در جهت فلج کردن منابع مالی دشمنان به دست آوریم، گامی مستقیم برای سرنگونی اوست و مؤثرترین ابزاری که می‌توانیم برای این منظور علیه یک کشور دریایی به کار ببریم، محروم کردن او از منابع تجارت دریایی است» (Rubel, 2012, p. 3).

جفری تیل، از دیگر نظریه‌پردازان مطرح در حوزه قدرت دریا، با تمرکز بر تئوری ماهان، مفهوم قدرت دریا را از دو جنبه، یعنی ورودی و خروجی، توسعه داده است. نیروی دریایی به‌عنوان یک ورودی شامل منابعی است که می‌توانند در حوزه

دریایی، نیرو تولید کنند که برای تیل نیز عمدتاً از سمت نیروی دریایی ناشی می‌شود. با این حال، او استدلال کرد که این قدرت دریایی باید توسط شش مؤسسه که شامل جمعیت؛ جامعه و دولت؛ جغرافیا؛ فناوری؛ منابع؛ اقتصاد دریایی است، حمایت شود. درحالی‌که برخی از این مؤلفه‌ها با عناصر شش‌گانه قدرت ماهان مشابه هستند، اما تفاوت آن در اهمیت دادن به منابع اقتصادی برای توسعه نیروی دریایی است. جنبه دوم قدرت دریایی به‌عنوان یک خروجی است. در این تز، قدرت دریا به‌عنوان ظرفیت تأثیرگذاری بر رفتار افراد یا چیزهای دیگر از طریق کاری که فرد در دریا یا از دریا انجام می‌دهد، تعریف می‌شود (Pertwi, 2020, p. 5).

۳. پیشینه تاریخی نظام دریایی ایران

اولین ظهور نیروی دریایی ایران به عهد هخامنشیان باز می‌گشت و هدف از داشتن نیروی دریایی جنگ با دشمن دیرینه خویش یونانیان بوده که در آن سوی دریای سیاه سکونت داشتند. در عصر خلفای صدر اسلام و در حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس متخصصان دریایی ایرانی جذب نیروی دریایی آنان در مدیترانه و خلیج فارس شده‌اند و فرماندهی و هدایت نیروهای دریایی را بر عهده داشتند و همچنین در فن کشتی‌سازی و دریانوردی به آنان تعلیم می‌داده‌اند. در سلسله آل‌بویه، سلجوقیان و اتابکیان شرایط برای قدرت دریایی ایران مساعد بود. با تجاوز تیمور به ایران، حکومت آل‌مظفر برچیده گردید و کشور دچار نابه‌سمانی شدید شد. جنگ داخلی برای کسب قدرت شرایط اداره کشور را سخت و دشوار ساخت. در قرن شانزدهم، استعمارگران پرتغالی توانستند از فرصت داخلی ایران استفاده کرده و در منطقه خلیج فارس تسلط کامل پیدا کنند (سیاری، ۱۳۸۵: ۲۰۶).

با به قدرت رسیدن شاه عباس اول صفوی، شرایط برای بیرون کردن پرتغالی‌ها فراهم گردید. وی با کمک ناوگان انگلیس موفق به بیرون کردن پرتغالی‌ها از جزایر خلیج فارس شد؛ اما شاه سلطان حسین صفوی که به لحاظ شخصیتی فردی ناتوان و ضعیف حال بود باعث شد روسیه به ایران حمله کند. در دوره سلطنت نادرشاه، ایران از کشورهای انگلیس و هلند درخواست خرید ناوهای جنگی داد که با مخالفت کشورهای مذکور همراه شد. در دوران پادشاهان قاجار نخستین بار در دوره سلطنت محمدشاه، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی به فکر ایجاد نیروی دریایی در دریای خزر افتاد، اما به دلیل جنگ ایران و روسیه و شکست سنگین ایران در حق حاکمیت بر دریای خزر این برنامه ناکام ماند. در دوره صدر اعظمی امیرکبیر، اقداماتی برای

ایجاد نیروی دریایی در کرانه‌های خلیج فارس انجام گرفت که انگلستان به دلیل ترس و نگرانی از اهداف تعرضی ایران با آن مخالفت کرد. در زمان ناصرالدین‌شاه نخستین کشتی‌های جنگی به نام‌های «پرسپولیس» و «شوش» خریداری شدند. در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه هم کارهایی در این حوزه انجام گرفت که البته نتایج سودمندی نداشت. به‌گونه‌ای که از منظر مورخان سال‌های ۱۲۹۰ الی ۱۳۰۴ وضعیت نیروی دریایی ایران مساعد نبوده و نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس جولان می‌داد (سوری و بیگ‌مرادی، ۱۳۹۳).

رضاخان در راستای برنامه خود مبنی بر طراحی ارتش نوین قدرتمند و منظم و در سفری که به خوزستان داشت، داشتن یک نیروی دریایی قدرتمند را احساس کرد. به‌طوری‌که در همان سال کشتی کوچک مظفری به‌عنوان اولین کشتی رسمی نیروی دریایی ایران فعال شد. نیروی دریایی ایران در سال ۱۳۰۳ با یک فروند کشتی و چندتن از افسران و ملوانان با تجربه و ماهر تشکیل شد. در سال ۱۳۰۶ نمایندگان مجلس شورای ملی لایحه تشکیل یک نیروی دریایی مدرن برای حراست، سیادت و تأمین امنیت از منطقه خلیج فارس را به تصویب رساند (سوری و بیگ‌مرادی، ۱۳۹۳). در سال ۱۳۱۳ یک حوض شناور ۶۰۰۰ تنی جهت تعمیرات زیرآبی ناوهای دریایی خریداری شد. در سال ۱۳۱۴ نیروی دریایی تأسیسات و یگان‌های خود را در دریای خزر گسترش داد و در سال ۱۳۱۵ ناو شهسوار از هلند خریداری و از طریق کشور روسیه به دریای خزر وارد شد. در دوره حکومت محمدرضاشاه پهلوی دوباره ایران در جهت یک نیروی دریایی قدرتمند اقداماتی انجام داد. به‌طوری‌که با استفاده از غرامت ناوهای غرق شده و عودت ناوهای شاهرخ، شهباز، سیمرغ و کرکس، هسته نیروی دریایی شکل گرفت. ناوهای کلاس بایندر (پاسیور) و مین‌جمع‌کن‌های کرانه‌ای و رودخانه‌ای و ناوچه‌های توپدار و ناو تعمیراتی به‌صورت کمک‌های نظامی و خرید از کشور آمریکا تحویل گرفته شد. همچنین، ایران سفارش ساخت ناوشکن‌های سبک موشک‌انداز به کشور انگلیس داد و ناوشکن‌های سنگین مدرنیزه شده از آمریکا تحویل گرفت (سیاری، ۱۳۸۵).

با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به لحاظ تجهیزات نظامی کاملاً مستقل و خودکفا شد. جمهوری اسلامی ایران با عنایت به نقش و اهمیت نیروی دریایی در امنیت و توسعه کشور، به تقویت و توسعه آن پرداخت و اقدامات مهمی در این حوزه انجام داده است. در این راستا، می‌توان گفت در حال حاضر نیروی دریایی ایران در آب‌های خلیج فارس به‌صورت یک نیروی قدرتمند درآمده است. ناوگان دریایی

جمهوری اسلامی ایران از انواع ناو جنگی، ناوشکن، ناوهای لجستیک، ناوهای مین‌روب، ناوچه‌های ضد زیردریایی و ... تشکیل شده است. همچنین، زیردریایی‌های ایران از جمله توانمندی و پتانسیل‌های نیروی دریایی است که در خدمت ناوگان دریایی به انجام وظیفه خطیر می‌پردازد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱).

۴. دستاوردهای نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران

نظام بین‌الملل همواره در حال تغییر است. یکی از مهم‌ترین تحولات این نظام، تغییر در ماهیت و توزیع قدرت است که دولت‌ها را ناگزیر از تطبیق با تغییر و تحولات آن می‌کند (ارغوانی و پیرسلامی، ۱۳۹۸: ۵۲). از مبناهای کلیدی قدرت ملی که سبب افزایش اعتبار بین‌المللی برای یک کشور می‌شود قدرت در عرصه‌های مختلف نظامی می‌باشد (زمانیان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۵). از این‌رو، مقامات ایران درصدد بوده در حوزه نظامی به‌ویژه در بخش نیروی دریایی اقتدار خویش را به نمایش بگذارند. ایران در دهه‌های گذشته تلاش کرده تا نیروی دریایی خود را که با هدف دفاع از خلیج فارس در برابر ناوگان خارجی طراحی شده، مدرن‌سازی کند. اکنون این کشور برنامه‌های بومی را برای توسعه و ارتقای ناوگان شناورهای سطحی آغاز کرده است (Agnes Helou, 2022). سرمایه‌گذاری خوبی بر روی طرح‌های زیرسطحی سبک و شناورهای موشک‌انداز و اژدرافکن تندرو، پس از اعمال فشارها و تحریم‌ها از سوی دولت آمریکا علیه ایران و تغییر منبع تأمین تسلیحات و تکنولوژی دریایی، از کشورهای غربی به کشورهایمانند روسیه، چین و کره شمالی آغاز شد. شناورهای قدیمی همانند ناوچه‌های کلاس الوند و یا شناورهای کلاس کمان، به موشک‌ها و سامانه‌های مدرن مانند موشک ضد کشتی تجهیز شدند. خریدهای اصلی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سه فروند زیردریایی روسی کلاس کیلو بود. همچنین، ایران اقداماتی در جهت بومی‌سازی ساخت تسلیحات و تجهیزات دریایی انجام داد. به‌علاوه، زیردریایی‌های کلاس نهنگ و غدیر، شناورهای تندرو و موشک‌انداز، اژدر فوق‌سریع حوت، ناوشکن کلاس جماران و ناو محافظ کلاس موج از جمله مهم‌ترین دستاوردهای نیروی دریایی ایران هستند که در نتیجه تلاش فراوان متخصصان ایرانی صورت گرفته است (مطالعات گروهی، ۱۳۹۸). نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بنا به تدابیر فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۸۸ با توسعه مأموریت خود به نیروی دریایی راهبردی ارتش تبدیل گردید. به‌گونه‌ای که در سال ۱۴۰۲ برای اولین بار در تاریخ دریانوردی ایران توانست در مأموریت ناوگروه ۸۶ دور

کره زمین را با ناوشکن تمام ایرانی دنا و ناوبندر مکران دریانوردی با موفقیت انجام دهد.

۵. قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران

۵-۱. موقعیت جغرافیایی

یکی از مهم‌ترین چهره‌های سرزمین هر کشوری موقعیت جغرافیایی آن کشور است. کشورهای محصور در خشکی، از دسترسی مستقیم به دریا و منابع آن محروم هستند. درحالی‌که کشورهایی که از موقعیت دریایی مناسبی برخوردارند مانور و ابتکار عمل بیشتری می‌توانند از خود در عرصه‌های متعدد به نمایش بگذارند. دریاهای در بخش‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، نظامی و ... اهمیت خاصی برخوردارند و کشوری که دسترسی بیشتری به محیط دریا داشته باشد و بتواند از ظرفیت و پتانسیل فراوان آن بیشترین بهره و منفعت را کسب کند یقیناً از اقتدار و توان بیشتری برخوردار خواهد بود (منفرد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۵). بنابراین، موقعیت جغرافیایی دریایی بر خط‌مشی و سیاست خارجی کشورها تأثیرگذار می‌باشد. برخی‌ها معتقدند موقعیت جغرافیایی عامل تأثیرگذار و مهم بر رفتار و کنش خارجی یک کشور می‌باشد (Cohen, 1963). موقعیت دریایی و دسترسی به منابع آبی تأثیر مهمی بر سیاست خارجی کشورها برجای می‌گذارد (Morgenthau, 1954, pp. 106-107). در جنوب ایران، خلیج فارس قرار دارد که کشورهای مهم تولیدکننده نفت و گاز را در خود جای داده و در شمال کشور نیز دریای خزر قرار گرفته است.

۵-۲. وضعیت طبیعی

وضعیت طبیعی کشور ایران نسبت به دیگر کشورها بسیار مناسب می‌باشد. از یک‌سو، سواحل طولانی ایران در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر با خورها و رودخانه‌هایی که به آن منتهی می‌گردد و همچنین داشتن جزایر با موقعیت‌های استراتژیک سبب ایجاد شرایط مناسبی برای به وجود آوردن بنادر، لنگرها و راه‌های مواصلاتی دریایی شده است. از سوی دیگر، آب و هوای خلیج فارس و دریای عمان علی‌رغم گرم و شرجی بودن، هیچ‌گاه در طول سال بنادر ایران در خلیج فارس،

دریای عمان و نیز دریای خزر بر اثر طوفان یا شرایط بد بسته نمی‌شوند و یا اینکه دریانوردی غیرممکن نمی‌گردد (سیاری، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

۳-۵. وسعت قلمرو ساحلی

ایران با داشتن وسیع‌ترین طول ساحل در خلیج فارس، تمامی کرانه‌های شمالی این آبراه را در اختیار و کنترل خویش دارد. همچنین، جزایر در شمال و مرکز خلیج فارس و دهانه تنگه هرمز تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. نکته مهم اینکه اقتصاد ایران با امنیت خلیج فارس ارتباط پیدا می‌کند و سرنوشت اقتصاد کشور را از سواحل و جزایر و بنادر این خلیج مشخص می‌شود. به‌علاوه، جمهوری اسلامی ایران نزدیک به ۱۳۰۰ کیلومتر ساحل با بنادر و لنگرگاه‌های بسیار در خلیج فارس دارد (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۷۲). سواحل دریای خزر با وجود اینکه از نظر وسعت نسبت به سواحل دریایی خلیج فارس کمتر می‌باشد؛ اما از اهمیت راهبردی فزاینده‌ای برخوردار است. دریای خزر دارای ۱۲۰۰ کیلومتر طول و بین ۲۲۰ تا ۵۵۰ کیلومتر پهنا و ۶۵۰۰ کیلومتر محیط است که از این مقدار، ۶۵۷ کیلومتر ساحل متعلق به ایران می‌باشد. ایران با وجب به وجب این خاک آشنایی کامل دارد و نسبت به نیروهای منظم دشمنان فرمانطقه‌ای که از فاصله ۱۶۰۰۰ کیلومتری به منطقه‌ای ناشناس آمده‌اند، برتری دارد (سیاری و طحانی، ۱۳۹۴: ۶۲).

۴-۵. جمعیت

جمعیت ایران حدود ۸۹ میلیون نفر است و به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور در حوزه خلیج فارس نامیده شده است. همین عامل بسیار خوبی برای تبدیل شدن کشور به قدرت دریایی است. ایران با بیش از یک میلیون پرسنل نظامی فعال و ذخیره، به‌عنوان بزرگ‌ترین نیروهای مسلح منطقه به خود می‌بالد که به‌طور قابل توجهی همه ارتش‌های منطقه‌ای دیگر را به‌جز ارتش ترکیه و مصر تحت‌الشعاع قرار داده است (Lamrani, 2020). بر اساس آمار سایت گوبال فایرپاور در سال ۲۰۲۴ پرسنل فعال نظامی ایران در حدود ۶۱۰۰۰۰ نفر و بیش از ۳۵۰۰۰۰ نفر نیروی ذخیره می‌باشد و بر اساس شاخص GFP ایران در زمره ۱۵ قدرت برتر نظامی معرفی شده است (Firepower Global, 2024).

۵-۵. ویژگی‌های ملت

ملت ایران در ادوار تاریخ نشان داده‌اند که در خصلت و روحیه‌شان به دریا عشق و علاقه وجود دارد و به دنبال استفاده مطلوب از پتانسیل دریا و منابع آن هستند. ملت ایران دریا را نماد توسعه، صلح و آرامش و دوری از تنش، جنگ و نزاع می‌دانند. متأسفانه در طول تاریخ حضور و نفوذ دولت‌های فرامنطقه‌ای که گاه با خواست و حمایت دولت‌های منطقه‌ای بوده، موجب بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه شده است.

۵-۶. وضع سیاسی دولت

وضعیت سیاسی دولت به لحاظ کسب قدرت دریایی بسیار اهمیت دارد. چون اگر دولت و حکومت یک کشور واقعیت‌های موجود عرصه داخلی و بین‌المللی را درک نکند و در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به مسئله مهم قدرت دریایی در راهبرد توسعه کشور توجهی ننماید و بستر را برای ایجاد قدرت دریایی مهیا نسازند، بدون تردید، وجود سایر عوامل نمی‌تواند کمکی به کشور برای تبدیل شدن به قدرت دریایی کند. بنابر این، مقامات ایران به‌ویژه مقام معظم انقلاب (مدظله‌العالی) به داشتن نقشه راه در جهت اقتدار دریایی و بهره‌گیری از محیط دریا و منابع آن توجه و تأکید داشته‌اند. ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریا محور توسط ایشان بیانگر اهمیت موضوع مزبور است.

۶. سیاست‌های کلی توسعه دریا محور ایران

مقام معظم رهبری در سال ۱۴۰۲ پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام سیاست‌های کلی توسعه دریا محور را برای اقدام به روسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت ابلاغ نمودند که به‌طور خلاصه به شرح ذیل است:

- ♦ سیاست‌گذاری یکپارچه امور دریایی و تقسیم کار ملی و مدیریت چابک و کارآمد دریا با هدف بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های دریا و احراز جایگاه شایسته و رتبه اول در منطقه؛
- ♦ توسعه فعالیت‌های اقتصادی دریا محور و ایجاد قطب‌های توسعه دریایی پیشران در سواحل، جزایر و پس‌کرانه‌ها با هدف دو برابر کردن نرخ رشد اقتصادی کشور؛

- ❖ تسهیل و توسعه سرمایه‌گذاری و مشارکت داخلی و خارجی که لازمه آن ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در عرصه‌های حقوقی، اقتصادی، زیربنایی و امنیتی است؛
 - ❖ تدوین طرح جامع توسعه دریا محور با پهنه‌بندی دریا، کرانه و پس کرانه با تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی؛
 - ❖ بهره‌برداری حداکثری و بهینه از ظرفیت‌ها، منابع و ذخایر زیست بوم دریایی؛
 - ❖ تأمین و ارتقای سرمایه انسانی و مدیریت متعهد و کارآمد و ایجاد پشتوانه علمی، آموزشی و پژوهشی برای توسعه دریا محور؛
 - ❖ توسعه و گسترش همکاری‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگ با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های دریایی، حضور مؤثر و دستیابی به موقعیت قطب‌های منطقه‌ای؛
 - ❖ افزایش سهم کشور در حمل و نقل دریایی و ترانزیت؛
 - ❖ حمایت از سرمایه‌گذاران بومی، محلی و بنگاه‌های کوچک و متوسط در عرصه‌های صیادی، کشاورزی، صنعتی و کشاورزی (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۲).
- بنابراین، با توجه به سیاست‌های کلی دریا محور ترسیم شده فوق و در جهت تحقق مؤثر آن می‌بایست راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند را بررسی کرد.

۶-۱. موقعیت منطقه‌ای جنوب غرب آسیا

جنوب غرب آسیا به‌عنوان یک منطقه جغرافیایی وسیع تعریف شده که بخش‌هایی از قفقاز، ایران، افغانستان و پاکستان، بخش‌هایی از آسیای میانه، ترکیه، عراق و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، لبنان، سوریه، فلسطین و گاهی مصر نیز به‌متابۀ بخشی از جنوب غرب آسیا نامیده شده است (سلیمی، ۱۳۸۸).

بدون شک، منطقه جنوب غرب آسیا به لحاظ قدمت تاریخی از کانون‌های اصلی ظهور تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیرین بشر و از همه مهم‌تر از محورها و مسیرهای کلیدی و اصلی تبادل و مناسبات فرهنگی، علمی و تجاری میان شرق و غرب بوده است. از ویژگی‌های بی‌بدیل و مهم این منطقه این است که اکثریت مردم مسلمان هستند. منطقه جنوب غرب آسیا با داشتن بیشترین پتانسیل و موقعیت مناسب

جغرافیایی و از همه مهم‌تر داشتن منابع غنی و باارزش از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. این منطقه جغرافیایی همان‌طور که گفته شد محل اتصال سه قاره مهم آسیا، آفریقا و اروپاست. شایان ذکر است برخی از کشورهای این منطقه مهم به دلیل موقعیت مطلوب جغرافیایی و منابع سرشار نفت و گاز از شرایط ایدئال برخوردار می‌باشند. به‌علاوه، وجود تنگه‌های راهبردی و کلیدی مانند تنگه هرمز (ایران و عمان)، تنگه داردانل (ترکیه)، تنگه تیران (مصر و عربستان سعودی)، تنگه بسفر (ترکیه) و تنگه باب‌المندب (جیبوتی و یمن) اهمیت این منطقه را دو چندان کرده است (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۲).

۶-۱-۱. راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا

بدون شک، جنوب غرب آسیا به لحاظ اقتصادی و فرهنگی برای ایران اهمیت بالایی دارد. آنچه می‌توان گفت این منطقه حیات خلوت تهران به شمار می‌رود. در خلال دهه‌های گذشته دخالت کشورهای غربی و به‌ویژه دولت آمریکا در منطقه، بروز فرقه‌های مذهبی و گروهک‌های تکفیری و تروریستی مانند داعش در عراق و سوریه و حمایت برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از این گروهک‌ها، جنگ میان ائتلاف سعودی و یمن سبب بی‌ثباتی و ناامنی در جنوب غرب آسیا شده است. اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران گسترش اقتدار خویش و مهار نفوذ آمریکا در منطقه است و برای به فعلیت رساندن این اهداف در حوزه دریایی پیشرفت‌هایی داشته است. نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی و نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین ناوگان کشتیرانی تجاری آن در راستای اهداف راهبردی ایران فعالیت می‌کنند (Harmer, 2013).

متأسفانه در دهه‌های اخیر روابط ایران با برخی از کشورها به دلایلی حسنه و مساعد نبوده و حتی با تنش و نزاع همراه بوده است. همین امر موجب شده کشورهای فرامنطقه‌ای از این موضوع استفاده نمایند و برای تضعیف اقتدار ایران و افزایش نفوذ و حضور خویش اقداماتی انجام داده‌اند. به نظر می‌رسد ایران این فرصت را دارد سطوح مبادلات و تعاملات خویش با دولت‌های هم‌جوار را در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه دریایی و اقتصادی توسعه و گسترش دهد. به‌علاوه، نیروی دریایی ایران می‌تواند همکاری‌های گسترده‌تری با سایر نیروی دریایی کشورهای پیرامونی داشته باشد و ائتلاف دریایی با این کشورها در منطقه برای تضمین امنیت دریا و عبور و مرور کشتی‌های تجاری شکل دهد. علاوه بر موارد

مذکور، در زمینه‌های مبارزه با تهدیدات دریایی، صلح و امنیت، مخاطرات زیست‌محیطی، آموزشی، تجهیزات نظامی و دفاعی، اقتصاد آبی برای توسعه پایدار دریا و عملیاتی شدن تمدن دریایی همکاری‌هایی می‌تواند میان ایران و کشورهای هم‌جوار انجام گیرد. نکته حائز اهمیت اینکه همه این اقدامات به‌منظور افزایش حضور و قدرت دریایی ایران و مقابله با کارشکنی‌های دشمنان در منطقه انجام می‌شود.

۲-۶. موقعیت اقیانوس هند

اقیانوس هند سومین اقیانوس جهان است که محل رقابت قدرت‌های بزرگ در آینده است (Kaplan, 2010, p. 7). اقیانوس هند با ۷۰,۵۶۰,۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، ۲۰ درصد از سطح آب‌های زمینی را فراگرفته است. این اقیانوس از شمال به آسیا، از غرب به آفریقا، از شرق به استرالیا و از جنوب به اقیانوس منجمد جنوبی منتهی شده و زیر مناطق کلیدی آن عبارتند از: جنوب آسیا، خاورمیانه، سواحل شرقی آفریقا و جزایری که از سریلانکا در شرق تا مجمع‌الجزایر کومور در غرب در اقیانوس قرار دارند (Baruah, 2021).

شایان توجه است اقیانوس هند شلوغ‌ترین خطوط دریایی را دارد که نفت غنی آسیای غربی را به آسیای شرقی، آفریقا و اروپا ارسال می‌کند. نکته مهم اینکه بیشترین حجم تجارت نفت و کالاها در این مسیرها انجام می‌گیرد. اقیانوس هند به بزرگراه تجارت جهانی تبدیل شده است. نیمی از محموله‌های کانتینر جهان، یک‌سوم از محموله‌های فله و دوسوم از حمل و نقل جهانی در این منطقه جریان دارد. آب‌های اقیانوس هند ترافیک سنگین نفت و فراورده‌های نفتی را از میدان‌های نفت خلیج فارس به سمت تنگه مالاگا و باب‌المنندب ارسال می‌کند و نزدیک به یک‌سوم نفت در سواحل دریایی آن تولید می‌شود (خزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴). شمال اقیانوس هند شامل کشورهای جمهوری اسلامی ایران، هند، عمان، پاکستان، یمن، امارات متحده عربی، جیبوتی و سومالی می‌شود.

۱-۲-۶. راهبرد دریایی ایران در شمال اقیانوس هند

این منطقه دارای پنج زیرسیستم (شبه قاره هند، خاور عربی، خلیج فارس و دریای عمان، قفقاز و آسیای مرکزی) می‌باشد که ایران در نقش محوری آن قرار دارد و با

دو حوزه تمدنی ایرانی و اسلامی در هر پنج زیرسیستم، دارای ارتباط است. بنابراین، با عنایت به موقعیت مناسب خود در این منطقه می‌تواند به‌مثابه قطب هژمونیک یک نظم منطقه‌ای ایفای نقش کند (ولی شریعت‌پناهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۲). طبق شاخصه‌های ترسیم شده توسط دریا سالار ماهان، ایران یک کشور دریایی است و تمام آن شش خصیصه را دارا می‌باشد؛ اما این امر به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه ایران می‌تواند بر اساس موقعیت دریایی خویش، راهبردی برای خود طراحی و ترسیم کند. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت و قابلیت‌هایش می‌تواند نگاه فرامرزی داشته باشد و خود را از محدوده جغرافیایی مرزی خارج سازد. در حال حاضر رقبای ایران برای افزایش قدرت و نفوذ در اقیانوس هند اقداماتی انجام داده‌اند. برای مثال در حالی که چین به رشد خیره‌کننده خود به‌عنوان یک قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی ادامه داده است، آمریکا و هند به دنبال روابط راهبردی عمیق بودند. از زمان امضای بیانیه چشم‌انداز راهبردی مشترک آمریکا و هند برای منطقه آسیا - اقیانوس آرام و اقیانوس هند در سال ۲۰۱۵ دو دولت بر گسترش تعامل و همکاری‌ها و برگزاری مانور تأکید داشتند (Singh, 2021).

به نظر می‌رسد ایران این قابلیت را دارد برای نمایش اقتدار دریایی خود تعامل با کشورهای هم‌جوار شمال اقیانوس هند داشته باشد. از همین رو، وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی کشور می‌تواند نقش پررنگی در این راستا ایفا نماید. در همین حال جمهوری اسلامی می‌تواند با نهادینه کردن حضور خویش در مناطق راهبردی مختلف دریایی و از طریق همکاری‌های جامع و سازنده با کشورهای همچون هند، پاکستان و چین و با حضور حداکثری و مؤثر در آب‌های شمالی اقیانوس هند، دریای عمان، دریای سرخ و دریای مدیترانه اقتدار دریایی خویش را به دنیا به نمایش بگذارد. بی‌تردید، حضور حداکثری و نقش‌آفرینی مؤثر در اقیانوس‌ها، آب‌های آزاد و بین‌المللی یکی از مهم‌ترین الزامات حفظ امنیت است. شایان توجه است نیروی دریایی نقش بسیار مهم در این زمینه ایفا می‌کند. امنیت کشتی‌های تجاری با نیروی دریایی است. طبق بررسی‌های انجام شده نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته توان فزاینده‌ای برخوردار بوده و توانسته با اعزام ناوگروه‌های گوناگون در مسیرهای اصلی و مهم اقتصادی جهان در اقیانوس هند، دریای سرخ، دریای مدیترانه، باب‌المنندب، جنوب

قاره آفریقا و دریای چین حضور مقتدرانه و عزتمندانه داشته باشد (خزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵).

در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی مناسبات خویش را با برخی از کشورهای هم‌جوار شمال اقیانوس هند افزایش داده، اما با برخی از کشورها همچنان اختلافات باقی است که امکان رفع آن وجود دارد و ایران می‌تواند روابط خود با کشورهای هم‌جوار شمال اقیانوس هند را در ابعاد گوناگون تقویت نماید. این امر با افزایش هماهنگی‌ها و همکاری‌ها انجام می‌شود. در گام بعدی ایران می‌تواند به ایجاد پایگاه‌های دریایی راهبردی اقدام کند. داشتن پایگاه دریایی نشان‌دهنده قدرت نیروی دریایی است. حضور حداکثری ایران در شمال اقیانوس هند نیازمند به داشتن پایگاه دریایی راهبردی است. از پایگاه برای سوخت‌گیری، تعمیر و حفظ و نگهداری ناوگان در نزدیکی راه‌های اصلی ارتباطی استفاده می‌شود. همچنین، داشتن پایگاه‌های راهبردی نزدیک به آب‌هایی که کشتی‌ها در آن به هم نزدیک می‌شوند یا از طریق آن انتقال نیروی نظامی صورت می‌گیرند و یا لجستیکی می‌شوند حفظ امنیت و اعمال قدرت دریایی را تسهیل می‌سازند (رشید و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۰). آمریکا در خلال دهه‌های گذشته در این منطقه پایگاه دریایی احداث کرده است. اهداف آمریکا از این اقدام عبارتند از: حفظ و نگهداری خطوط مواصلاتی تجارت و به‌ویژه در حوزه انرژی، حفظ نیرویی با قدرت برای حفظ تعادل و مقابله با حوادث گوناگون در منطقه و اطمینان خاطر از امنیت دریایی در سواحل اقیانوس هند. برای رسیدن به اهداف مذکور دولت آمریکا پایگاه‌های نظامی راهبردی را در دیگوگارسیا در اقیانوس هند، خلیج فارس، جیبوتی، شاخ آفریقا و اقیانوس هند ایجاد کرده است. پایگاه دیگوگارسیا که بخشی از مجمع‌الجزایر چاگوس است، پایگاه مخفیانه دولت آمریکاست که از طریق آن از نزدیک‌ترین خطوط تجارت دریایی کالا و انرژی پکن مطلع می‌شود (خزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱).

با توجه به موارد فوق، ایران از طریق موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود می‌تواند زمینه قدرت دریایی را مهیا سازد، برای تحقق این راهبرد دو فرصت کم‌نظیر تاریخی برای ایران فراهم است که عبارتند از:

۱. حمل و نقل: بنادر نقش به‌سزایی در ترانزیت و حمل و نقل کالا برخوردارند. ایران بنادر استراتژیک و مهمی دارد که نیازمند به تجهیز و توسعه دارند. یکی از مهم‌ترین بندری که برای کشورهای هم‌جوار شمال اقیانوس هند اهمیت بسیاری دارد، بندر چابهار است. بندر چابهار در جنوب سیستان و بلوچستان و در کرانه

دریای مکران و اقیانوس هند واقع شده است. این بندر تنها بندر ایرانی است که دسترسی مستقیم به اقیانوس هند دارد. بندر چابهار جایگاه ویژه‌ای در تعاملات و مبادلات ایران با سایر کشورهای منطقه دارد. این بندر یکی از بندرهای کلیدی برای تجارت و بازرگانی است و از موقعیت ایدئال برای حمل و نقل کالا، ترانزیت و ترانشیپ برخوردار است. آنچه می‌بایست توجه داشت ایران در تقاطع کریدورها قرار گرفته است و راه‌های دسترسی زیادی دارد که می‌تواند از این فرصت استفاده کند. همه کشورهایی که دو سر طیف شمال - جنوب و شرق - غرب قرار دارند، فرصت‌هایی هستند برای اینکه تجارتشان را از مسیر ایران عبور دهند. به این ترتیب، از مجموع سه کریدور در حمل و نقل جهانی دو کریدور از مسیر ایران می‌گذرد و بندر چابهار محل عبور جنوبی‌ترین کریدور شرقی - غربی جهان است. کریدور شرق - غرب با احیای جاده قدیم ابریشم، حمل و نقل کالا را از طریق ایران بین کشورهای آسیایی و اروپایی، امکان‌پذیر می‌کند. همچنین، بندر چابهار به دلیل دسترسی مستقیم به اقیانوس هند برای کشورهای آسیای میانه، جنوب آسیا و آسیای مرکزی به لحاظ حمل و نقل کالا و انرژی هزینه بسیار کمی دارد. دولت هند در سال‌های اخیر نگاه ویژه‌ای به بندر چابهار داشته و درصدد بوده این بندر را تجهیز و توسعه دهد. افغانستان نیز با وجود اینکه در شمال اقیانوس هند واقع نشده، اما نگاه ویژه‌ای به بندر چابهار دارد. علت این است که افغانستان در زمینه تجارت و بازرگانی در خشکی قرار گرفته و از طریق پاکستان با مشکل روبه‌رو است. بنابر این، بندر چابهار گزینه مساعدی برای این کشور است. همین اقدامات برای سایر کشورها می‌تواند اتفاق بیفتد و سایر کشورها می‌توانند از این بندر استراتژیک بهره‌برداری نمایند و سرمایه‌گذاری کلان توسط سایر کشورها در این بندر انجام گیرد. با این حال، سرمایه‌گذاری در بخش حمل و نقل با هدف تبدیل ایران به تقاطع کریدورهای بین‌المللی یکی از ضرورت‌های اساسی کشور است.

۲. انرژی: یکی اساسی‌ترین کالاهای استراتژیک کشورهاست که نقش شایانی در جهان ایفا کرده است. ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و قرارگرفتن بین کشورهای دارنده ذخایر بزرگ نفت و گاز و به‌علاوه قرارگرفتن بین بازارهای بزرگ انرژی در شرق و غرب، امتیاز ویژه‌ای برای کشور محسوب می‌شود که تأثیر مطلوبی در تبدیل شدن ایران به هاب انرژی منطقه را دارد. در این راستا، سرمایه‌گذاری خوبی در بخش ساخت خط لوله نفت و گاز توسط کشورهای خارجی می‌تواند انجام گیرد. از آنجایی که دولت‌های هند، چین و پاکستان به انرژی ایران

نیازمند هستند. بنابر این، این فرصت مناسبی است تا شرایط را برای سرمایه‌گذاری این کشورها در ایران فراهم کرد. نکته مهم اینکه ایران مسیر امن‌تری برای امنیت انرژی و صادرات انتقال انرژی است. دولت چین به‌واسطه رشد اقتصادی خود یک طرحی را با نام «یک جاده، یک کمربند» یا «راه ابریشم جدید» ترسیم کرده، که در این طرح قرار است قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا را با شبکه‌های تجاری ریلی، زمینی و به‌خصوص دریایی به یکدیگر اتصال دهد. چین درصدد است تا از تمام ظرفیت‌های کشورهای مختلف و از همه مهم‌تر ظرفیت و پتانسیل کشور ایران به‌ویژه بندر چابهار در پیشبرد این طرح استفاده کند.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به جایگاه جغرافیایی ایران و همچنین در نظر گرفتن مؤلفه‌های قدرت دریایی، می‌توان گفت ایران یک کشور دریایی است که می‌تواند حضور پر قدرت در مرزهای آبی و حتی در ورای مرزهای خود داشته باشد. ایران قسمت مهمی از منطقه جنوب غرب آسیاست که در راستای سیاست‌های کلی دریا محور نظام در آب‌های آزاد شمال اقیانوس هند و دریای سرخ به فعالیت می‌پردازد. یافته‌های پژوهش این است که راهبرد دریایی ایران راهبرد سلطه‌گرایانه نیست، بلکه راهبرد صلح‌گرایانه و همکاری‌جویانه است. مطابق این راهبرد، ایران اقتدار و اعتبار دریایی خویش را نمی‌خواهد از طریق حربه زور کسب نماید، بلکه می‌خواهد از طریق همکاری‌های گوناگون به‌ویژه همکاری اقتصادی به دست آورد. برای تحقق این راهبرد دو فرصت برای ایران فراهم است. یکی از این فرصت‌ها موضوع حمل و نقل است که ایران در تقاطع کریدورها قرار دارد، به‌طوری‌که از مجموع سه کریدور در حمل و نقل جهانی دو کریدور از مسیر ایران می‌گذرد و فرصت دوم اینکه ایران منبع مهم انرژی است که می‌تواند در مسئله امنیت انرژی منطقه نقش مؤثری ایفا کند. با وجود این، یکی از مهم‌ترین اهداف رقبای جمهوری اسلامی، تحمیل انزوای کشور می‌باشد. به‌طوری‌که آنان به دنبال این هستند تا ایران از دو فرصت خود استفاده نکند تا موجبات کاهش حضور کشور در دریا شوند. در واقع، با انزوای اقتصادی و نظامی، قدرت دریایی ایران کاهش پیدا کرده و عرصه را برای سایر دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای فراهم خواهد شد. به هر حال، موارد ذیل به‌عنوان پیشنهاد‌های سیاستی در جهت تحقق سیاست‌های کلی توسعه دریا محور و تداوم رشد اقتدار و اعتبار دریایی ایران در مناطق مزبور بیان می‌شود:

- ❖ بهره‌مندی مؤثر و مناسب ایران از دو فرصت حمل و نقل و انرژی از طریق تجهیز و توسعه اسکله‌ها و بنادر استراتژی کشور به‌ویژه بندر استراتژی چابهار؛
- ❖ تقویت دیپلماسی دریایی با کشورهای پیرامونی جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند به‌منظور شکل دادن به یک ائتلاف و یا اتحاد دریایی قوی؛
- ❖ توجه فزاینده مقامات دولتی کشور به نیازهای محسوس انرژی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مشارکت حداکثری، حضور فعال در عرصه‌های گوناگون و همکاری‌های نظامی، غیرنظامی و زیست بوم دریایی؛
- ❖ نوسازی و گسترش کشتی‌ها و ناوگان تجاری ایران؛
- ❖ توسعه و گسترش اقتصاد دریا محور (اقتصاد آبی) خصوصاً توسعه سواحل مکران که مورد تأکید مقام معظم رهبری می‌باشد؛
- ❖ جذب سرمایه‌گذاران خارجی دولتی و خصوصی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت ساخت خط لوله نفت و گاز و همچنین سرمایه‌گذاری در حوزه دریایی ایران.

References

- Agnes Helou. (2022). Iran Seek to grow naval power as it prioritizes asymmetric warfare. In Available: <https://www.defensenews.com/naval/2022/01/10/iran-seeks-to-grow-naval-power-as-it-prioritizes-asymmetric-warfare/>.
- Alipour, A. (2023). Maritime Civilization. Naval Strategic Studies Center publications. [In Persian].
- Amiri, A. (2020). Explaining the role of the navy in the maritime power of the Islamic Republic of Iran. *Geopolitics Quarterly*, 16 (1). 138-182. [In Persian].
- Arghwani Pirsalami, F. and S. Pirankho (2017). The Evolution of Missile Technology and Defense-Security Strategy of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Quarterly* 26. 51-74. [In Persian].
- Baldwin, D. (2018). The concept of security. In *National and International Security*. Routledge, 41-62.
- Baruah, M. (2021). What is Happening in the Indian Ocean? Carnegie Endowment for International Peace.
- Cohen, S. (1963). *Geography and Politics in a world Divided*, 2nded. New York: Random House.
- Corbett, J. (1911). *Some Principles of Maritime Strategy*. London: Longmans, Green and Co.
- Firepower Global. (2024). 2024 Iran Military. In Available: https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.php?country_id=iran.
- Giok, K. (2015). Sea power as a strategic domain. *Pointer, J Singap Armed Forces* 41(3). 1-14.
- Group Studies. (2019). Architecture of maritime power of the Islamic Republic of Iran. Group studies of first - year research - oriented students of National Defense Higher University. [In Persian].
- Grove, E. (2010). Seapower. In *International Security in the Modern World*. London: Palgrave Macmillan UK.
- Grygiel, J. (2021). The Limits of Sea Power. *Naval War College Review* 74(4).
- Hande, M. (2000). Corbett, Clausewitz, and Sun Tzu. *Naval War College Review*, 106-124.
- Harmer, C. (2013). *Iranian Naval and Maritime Strategy*. Institute for the Study of War.
- Kaplan, R. (2010). *Monsoon: The Indian Ocean and the Future of American Power*. Random House Trade.
- Kennedy, P. (1988). The Influence and the Limitations of Sea Power. *The International History Review* 2. 2-17.
- Khazaei, A., S. Elahi and F. Ayazi (2019). The role of the Indian Ocean and its strategic straits in maritime competition. the second conference of interdisciplinary studies in management and engineering, March 22, University of Tehran. [In Persian].
- Lamrani, O. (2020). Iran's Conventional Military Capabilities. New Lines Institute. In Available: <https://newlinesinstitute.org/strategic-competition/irans-conventional-military-capabilities/>.
- Mahan, A. (1890). *The Influence of Seapower on History*. Gutenberg. org.

- Monfard, S., E. Nasiri and A. Tabatabai (2018). Examining the roles and functions of the Navy of the Islamic Republic of Iran on improving the deterrence power in the sea area. *two Quarterly Journal of Marine Civilization* 1(2). 118-140. [In Persian].
- Morgenthau, H. (1954). *Politics Among Nations, The Struggle for Power and Peace*. New York: Alfred.
- Nohara, J. (2017). Sea power as a dominant paradigm: The rise of China's new strategic identity. *Journal of Contemporary East Asia Studies* 6(2). 210-232.
- Pertiwi, S. (2020). Repositioning Indonesia in the changing maritime landscape of the Indo-Pacific region. *Global: Jurnal Politik Internasional* 22(1). 1-25.
- Pugh, M. (1996). Is Mahan Still Alive? State Naval Power in the International System. *Journal of Conflict Studies* 16(2). 109-124.
- Rashid, G., P. Jafari Tehrani., H. Sayari and A. Farshchi (2021). Designing a strategic model for the establishment of Iran's naval base in the western Indian Ocean. *Defense Strategy Quarterly* 19(74). 13-54. [In Persian].
- Rubel, M. (2012). Navies and economic prosperity—The new logic of sea power. *Corbett Paper* (11).
- Sadeghi, S. (2016). *The international system and the geopolitics of the disputes of the Persian Gulf countries*. Tehran: Farzanroz Publications. [In Persian].
- Sadeghi, A., M. Shushtri and B. Zarghami (2012). *Strategic Navy of the Islamic Republic of Iran; Necessities and goals. the first national conference on the development of Makran coasts and maritime authority of the Islamic Republic of Iran*. [In Persian].
- Salimi, H. (2009). Southwest Asia as a region? Analyzing the applicability of the region to Southeast Asia. *Geopolitics Quarterly* 5(2). 116-137. [In Persian].
- Sayari, H. (2006). Naval power is a historical need of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Military Sciences and Techniques* 2(5). 194-219. [In Persian].
- Sayari, H and G. Tahani (2015). *Strategies and Naval Power*. Tehran: Publications of the Office of Theoretical Research and Strategic Studies of the Navy of the Islamic Republic of Iran. [In Persian].
- Singh, A. (2021). The U.S. Navy in the Indian Ocean: India Goldilocks Dilemma. in: <https://warontherocks.com/2021/05/the-u-s-navy-in-the-indian-ocean-indias-goldilocks-dilemma/>.
- Suri, S and S. Begmoradi (2014). *The power of the Persian Gulf Navy during the period of Reza Shah. a collection of papers of the 10th National Scientific and Research Conference of the Persian Gulf*. [In Persian].
- Vali Shariat Panahi, M., S. Karimi Pashaki., S. Zinati and M. Amanullah (2017). Iran's position in the geostrategic domain of the Indian Ocean with an emphasis on presenting a strategic model in foreign policy and economic planning. *New Perspectives in Human Geography Quarterly* 9(2). 223-243. [In Persian].
- Varacalli, T. (2016). National interest and moral responsibility in the political thought of Admiral Alfred Thayer Mahan. *Naval War College Review* 69(2). 108-128.

- Yaqoubi, S., E. Ezzati and I. Romina (2019). Explaining the pattern of regional convergence; Case: Southwest Asia. *Geographical Quarterly of Sarmeen* 16(63). 74-96. [In Persian].
- Zamaniyan, A., H. Tajabadi and I. Motaqi (2020). Characteristics, strategy and deterrence power of missile weapons with a focus on the Islamic Republic of Iran. *Strategic Quarterly* 29(96). 137-171. [In Persian].

